

شناسایی ویژگیهای مهم دانشگاه‌های هزاره سوم به منظور ارایه چارچوبی مناسب برای دانشگاه‌های ایران در راستای حرکت از دانشگاه‌های سنتی به دانشگاه‌های نوین

دکتر بدری شاه طالبی^۱

چکیده

با توجه به نقش بسیار مهم دانشگاه‌ها در عصر رسانه‌ها و شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی و با توجه به پدیده جهانی شدن و نفوذ بازار بی‌کنترل فرهنگ غرب که موجب گردیده بسیاری از ضد ارزشها به صورت ارزش و مشروع جلوه کرده و جامعه دانشگاهی را در معرض آسیب و تهدید قرار دهد، پژوهش حاضر با هدف ارائه چارچوبی به منظور نهادینه کردن مؤلفه‌های دانشگاه هزاره سوم در دانشگاه‌های ایران به روش توصیفی - پیمایشی انجام شده است. برای تحقق هدف کلی ابتدا تعداد ۸۳ بعد و مؤلفه از طریق مطالعه منابع مربوط شناسایی شد و چارچوب پیشنهادی مطابق با مؤلفه‌های تنظیم شده در دو قسمت اهداف و فلسفه چارچوب و چارچوب ادراکی شکل گرفت.

جامعه آماری این پژوهش را اعضای هیئت علمی تمام وقت دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان و دانشگاه علوم پزشکی تشکیل داده اند. به منظور تعیین چارچوب نهایی پرسشنامه بر روی یک نمونه آماری متشکل از ۲۰۰ نفر از افراد جامعه آماری اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و واریانس) و آمار استنباطی (تحلیل عاملی) استفاده گردید. اهم یافته‌های این پژوهش از این قرار است: ۱- تدوین مهمترین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دانشگاه هزاره سوم ۲- تدوین چارچوب مناسب برای دانشگاه‌های ایران و تعیین روایی سازه مؤلفه‌ها از طریق تحلیل عاملی. به این ترتیب بخش فلسفه و اهداف چارچوب با روایی سازه بالا تایید گردید، اما در بخش چهارچوب ادراکی ترکیب مؤلفه‌های اصلی تغییر یافت و ۸۳ زیر

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان - اصفهان

مؤلفه که در چارچوب پیشنهادی ذیل شش مؤلفه اصلی قرار گرفته بود در ۱۴ عامل توزیع گردید و به این ترتیب چارچوب نهایی به دست آمد.

کلید واژه‌ها

دانشگاه هزاره سوم، دانشگاه ایرانی، چهارچوب ادراکی

مقدمه

عوامل و نیروهای دگرگون ساز هزاره سوم نظیر فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات، جهانی شدن، عصر دیجیتال، ظهور سرمایه‌های فکری و هوشی به عنوان مهم‌ترین سرمایه عصر حاضر، تغییرات شتابان در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سرعت نوآوری‌ها، انعطاف‌پذیری و... جوامع و سازمان‌ها و موسسات تشکیل دهنده آن را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. بدیهی است رمز عبور و شرط بقا در این هزاره و راه دسترسی به ایده‌ها و اندیشه‌های مولد تنها از طریق آموزش مناسب یادگیری مادام‌العمر و مدیریت موثر دارایی‌های دانشی امکان‌پذیر می‌باشد. (زیون، ۲۰۰۵)

مسائلی چون ظهور تفکرات مدرن، مدیریت دانش محور، پیشتازی در فعالیت‌ها، توسعه فضای رقابتی دسترسی سریع و آسان به منابع آموزشی بدون محدودیت زمانی و مکانی، تغییر چرخه نیم عمر اطلاعات، یادگیری سازمانی و سازمان یادگیرنده و... این ضرورت را اجتناب‌ناپذیر نموده است که باید دیدگاه‌های سنتی به آموزش عالی متحول گردیده و ساختارهای سنتی و قدیمی و ناکارآمد تغییر یابند. (مرکز توسعه آموزش عالی، ۲۰۰۶)

آن چه مسلم است آن است که در قرن بیست و یکم ارتباطات و اطلاعات محور تحولات قرن آینده را رقم خواهد زد و استفاده از واژه‌هایی هم چون دهکده جهانی و عصر انفجار اطلاعات و... برای توصیف قرن آینده متأثر از همین

اندیشه‌هاست. اگر چه هنوز ابهاماتی در چگونگی شکل‌گیری جوامع در ده‌های اخیر وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که در اصل این که جهان آینده جهانی متفاوت از گذشته خواهد بود و اطلاعات مبنای دگرگونی می‌باشد، اجماع و توافق همگانی وجود دارد. (واتس ۱۹۹۶)

در پاسخ به مسائلی که جهان آینده با آن مواجه است، آموزش و تعلیم و تربیت سرمایه‌ای ضروری برای واقعیت بخشیدن به آرمان‌هایی چون عدالت، صلح، برابری، دسترسی یکسان و... تلقی می‌شود. به عبارت دیگر چالش‌های بوجود آمده در عصر حاضر دانش را به مزیت رقابتی اصلی برای جوامع تبدیل کرده است. جوامعی که قادر باشند به خوبی دانش را شناخته و آن را مدیریت کنند می‌توانند فرصت‌های نابی را برای خویشتن رقم بزنند و در عین حال برای جوامعی که تحولات محیطی را نمی‌شناسند و یا نمی‌خواهند بشناسند این امر تهدیدی جدی قلمداد می‌شود. (مرکز توسعه آموزش عالی، ۲۰۰۶)

در واقع امروز خلق، سازماندهی، تبدیل و به کار بستن دانش کلید موفقیت جوامع محسوب می‌شود. در این حالت جوامع ضمن این که با استفاده از این ابزار به حل مشکلات تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی‌های استراتژیک، یادگیری پویا و... کمک می‌کنند از زوال دارایی‌های ذهنی خویش نیز جلوگیری می‌نمایند. ارتباطی که بین دانش و مفاهیمی مانند نوآوری، سازمان‌های یادگیرنده، بهره‌وری، اثربخشی، کارایی و سایر مؤلفه‌های ارزنده که مؤلفه‌های کلیدی رقابت و حیات سازمانی محسوب می‌شوند، وجود دارد اهمیت توجه و استفاده از دانش و مدیریت آن را چند برابر می‌کند. شواهدی وجود دارد که اگر جوامع و سازمان‌های موجود در آن به خوبی از این موقعیت استفاده نمایند دیر یا زود به سمت زوال و نابودی حرکت خواهند کرد. زیرا توانمندی امروز در گرو دارا بودن سرمایه دانش بوده و به کارگیری مجموعه ظرفیت‌های ذهنی خلاق است که به طور موثری توسعه و پیشرفت را ممکن می‌سازد. (باربارا، ۲۰۰۷)

نتیجه آن که امروز فرایندهای آموزشی و پژوهشی بیشتر از فرایندهای اجرایی و اداری اهمیت دارند. بالطبع آموزش پرورش و آموزش عالی جایگاه فرایندهای آموزشی و پژوهشی است. نکته مهم و قابل توجه آن است که آموزش عالی در حالی پای به هزاره سوم گذارده است که تحولات عمیقی را تجربه نموده و بسیاری از ارکان آن دستخوش تغییر گردیده است. شرایط متحول و متغیر کنونی (از محیط اجتماعی گرفته تا سطح جهانی) به ویژه پس از پدیدار شدن اندیشه و فرایند جهانی شدن، سازمانها از جمله آموزش عالی را در معرض نیازها و انتظارات تازه قرار داده است. بنابر این نظام آموزشی هم چون سایر نظامها و نهادهای جامعه نیاز به باز تعریف رسالت و مأموریت خود دارد تا بر اساس آن اصلاحات یا تغییرات لازم را در سایر ارکان خود معمول دارد. (ابراهام، ۲۰۰۱)

آنچه تا به حال متخصصان آموزش عالی جهان پیرامون تحلیل چشم انداز دانشگاهها در قرن بیست یکم به دست داده اند بیانگر قطعیت گذر از دانشگاه سنتی و ورود به نظام متمایز از ساختار و محتوای دانشگاهها است. این که دانشگاه آینده چگونه شکل خواهد گرفت و چه کارهایی خواهد داشت بیشتر به قدرت تطابق و برنامه ریزی و رویکرد فرهنگی این جوامع به این نهاد بستگی دارد (ذوالفقاری، ۱۳۸۵).

بدیهی است جوامع هوشمند زمینه ظهور دانشگاههای هوشمند را فراهم خواهند ساخت تا قادر باشند به نیازهای جهان فرا پیچیده پاسخ دهند. مطالعات نشان می‌دهد که در حال حاضر دانشگاههای چون Virtual -Mega University Corporate university-university در حال شکل گیری بوده و مباحثی چون مهندسی مجدد، فرا شناخت، متاتئوری، کنترل کیفیت، عدالت آموزشی و... را سر لوحه خود قرار داده‌اند (جیر، ۱۹۹۸)

دانشگاهها مانند هر سازمان اجتماعی دیگری دریافته‌اند که هم راستایی با تغییر و تحولات نیازمند تغییر در کارکردهای درونی و بیرونی خود است و

بهره‌برداری هر چه بیشتر از محیط و تغییرات آن و نیز غلبه بر ضعف‌ها و پوشش هر چه بیشتر نقاط قوت از جمله واکنشهای مؤثر در مواجهه با تغییرات قلمداد می‌شود. بدیهی است رسیدن به این مهم در سایه ویژگیهایی چون آگاهی هیجانی، شناخت هیجانی، هوش عاطفی، مدیریت تحولی، مدیریت بحران، رویکردهای دیفیوژنی یا تسری بخشی، رویکرد اکولوژیکی یا بوم‌شناختی، رویکرد هویتی و... حاصل شده است. (شاه طالبی، ۱۳۸۷)

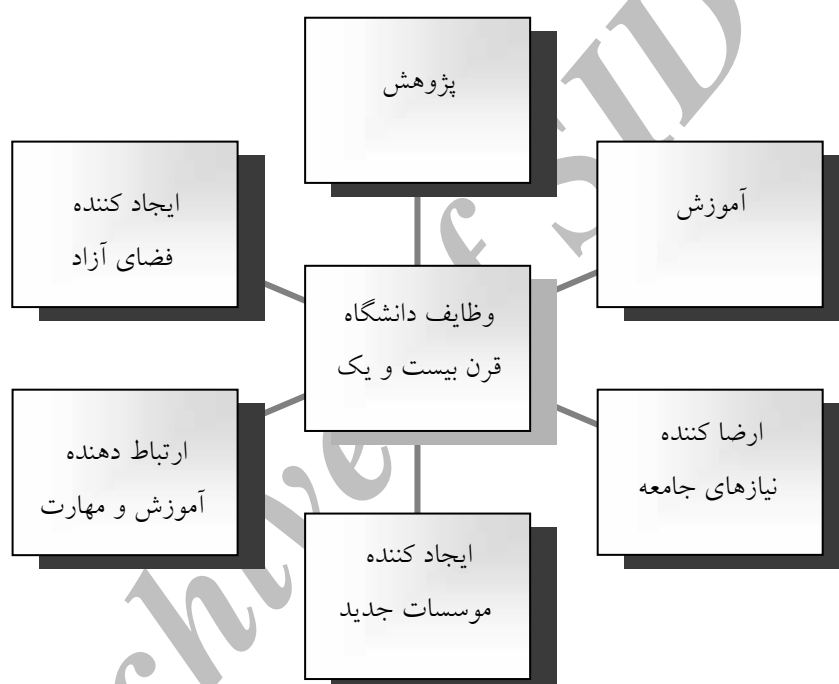
دانشگاه‌های قرن بیست و یک در یافته‌اند که باید خود را با ویژگیهای سازمان قرن بیست و یک هماهنگ نمایند از جمله آن که:

- به سیستم‌های باز مبدل شوند، یعنی دائما با محیط خود در تعامل باشند.
- به علت محیط پرتلاطم و غیر قابل کنترل هم راستایی با شرایط متغیر محیطی را فرا گیرند.
- صحت سازمانی خود را بر اساس معیارهای سیستمی ارزیابی نمایند.
- با تاکید بر فن آوری، شرایط بازار، شرایط سیاسی، اقتصادی و جو فرهنگی - اجتماعی در محیط‌های متفاوت به حیات خویش ادامه دهند.
- به استقبال تغییر بروند.
- ایده را سریعتر به عمل تبدیل کنند.
- از اطلاعات به عنوان یک عامل و منبع مهم سازمانی استفاده کنند.
- نیازمندیهای خود را در قالب دانش جدید، فرهنگ جدید و عقاید جدید ترسیم نمایند. (ایران زاده، ۱۳۸۱)

در راستای پاسخگویی به این نیاز بسیاری از دانشگاه‌ها حرکت از سمت و سوی دانشگاه سنتی به دانشگاه هزاره سوم را آغاز کرده‌اند. دانشگاه‌های قرن بیست و یکم خواهان آن هستند که در جامعه جهانی نقشی بسیار مهم‌تر و پررنگ‌تر از موسسات آموزشی قبل از خود داشته باشند. آنها معتقدند دانشگاه قرن حاضر می‌تواند از طریق باز کردن درهای خود به سمت و سوی دنیای جدید

شناسایی ویژگی‌های مهم دانشگاه‌های هزاره ...
و استفاده از پتانسیل‌های بالقوه خود نقشی حساس در جامعه جهانی ایفا کند.
(لامبرت، ۲۰۰۷)

در هم راستایی با تغییرات و تحولات، بسیاری از دانشگاه‌های جهان کار
کردهای خود را تغییر داده و استراتژی‌هایی به شکل زیر را ترسیم نموده اند:



آموزش: تربیت افراد ماهری که در تعامل با جامعه خود بوده و نسبت به تمام مسائل مبتلا به جامعه خود حساسیت نشان دهند از طریق آموزش‌های به روز و دقیق میسر است. دانشگاه‌های قرن بیست و یکم در پی آن هستند که از طریق تغییر در شیوه‌های آموزش سنتی و تاکید بر رویکردهای نوین آموزش چون آموزش مادام‌العمر و آموزش الکترونیکی به این مهم دسترسی پیدا کنند. بنابراین آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌های قرن حاضر هم از نظر نوع

آموزش‌ها و هم از نظر نحوه ارائه آموزش با دانشگاه‌های گذشته متفاوت خواهد بود.

پژوهش: سهم بودن در جامعه جهانی قرن بیست و یکم از طریق ایجاد چارچوب‌های علمی پژوهشی مناسب امکان‌پذیر است. تغییر در رویکردهای پژوهشی گذشته دانشگاه حاضر را به یک کلاس جهانی یا پژوهشگاه جهانی تبدیل خواهد کرد.

ایجادکننده مؤسسات جدید: در راستای ایجاد مؤسسات جدید با کاربری‌های جدید، دانشگاه قرن بیست و یکم از طریق آموزش مشاغل جدید با مهارت‌های کارآفرینانه سعی در تحقق و ایجاد SMEها یا مؤسسات کوچک و متوسطی دارد که خدمات جدیدی را به جامعه جهانی ارائه می‌کنند.

ارتباط دهنده مهارت‌ها و آموزش‌ها: دانشگاه‌های کنونی جهان در پی آن هستند که شکاف بین تئوری و عمل را از بین برده، از طریق ایجاد آشتی بین آموزش‌ها و تخصص‌ها و کشف راه‌های مبتکرانه و خلاق از تئوری‌ها استفاده کرده و بین آموزش و مهارت ارتباط واقعی بوجود آورند.

ارضا کننده نیازهای جامعه: مطالعات انجام شده در مورد نیازهای جامعه آینده حاکی از آن است که جامعه آتی به رشته‌هایی چون بهداشت محیط، خط مشی‌گذاری دولتی، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات و... نیازمند است و دانشگاه یکی از مهم‌ترین و زیر بنایی‌ترین جایگاه‌های تولید کننده رشته‌ها و تربیت کننده افراد مورد نیاز جامعه در این شاخه‌هاست.

ایجاد کننده فضای آزاد: به منظور ایجاد فضایی آزاد که در آن عقاید به راحتی بیان شده و مورد نقد و انتقاد گیرند، دانشگاه‌های قرن بیست و یکم موظف به ارائه آموزش‌هایی هستند که تعامل مؤثر، روحیه چالشگری، پرسشگری و نقد علمی و... را تقویت کرده، فضایی باز و آزاد بوجود آورند. (فالیس، ۲۰۰۴)

نتیجه آن که دنیای امروز دوران نواندیشی و آینده نگری است و بیش از این نمی‌توان در دام گذشته اسیر بود. امروز نقش دانشگاه‌ها در اغلب کشورهای جهان متحول شده و رسالت دانشگاه به تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر محدود نمی‌شود بلکه دانشگاه‌ها امید جوامع محسوب شده و سازنده ترین نقش را در تحول و تغییر جامعه دارا هستند. جامعه یک نظام است و دانشگاه از جمله مؤلفه‌های آن است، بنابراین نمی‌تواند و نباید خود را از فرهنگ جامعه دور و بیگانه نگه دارد. دانشگاه مؤلفه پویای جامعه است که در عین تحت تأثیر بودن می‌تواند و موظف است هدایت آگاهانه و هدفمند آن را بر عهده گیرد. (هاپکینز، ۲۰۰۲)

دانشگاه قرن بیست و یکم ناگزیر است فرزند زمان خویشتن باشد. یعنی ناگزیر است گذشته را بخواند، اما در گذشته نماند که توقف در گذشته مترادف مرگ علمی است. دانشگاه قرن بیست و یکم پالایشگاه علم است و اهداف آن عبارتند از:

- ۱- تربیت تفکر انتقادی.
 - ۲- ایجاد توانایی خلاقیت.
 - ۳- ایجاد توانایی استدلال منطقی.
 - ۴- ایجاد قدرت تجزیه و تحلیل، سنجش و نقد علمی.
 - ۵- آموزش خود آموزی و خود راهبری.
 - ۶- گسترش میدان معرفت به جای حافظه پروری.
 - ۷- جهانی اندیشیدن و منطقه ای عمل کردن.
 - ۸- تمرکز بر یادگیری بینشی به جای یادگیری مکانیکی.
 - ۹- برخورداری از سعه صبر در برخورد با عقاید مخالف (ماوری، ۲۰۰۱، ص ۴).
- دانشگاه قرن بیست و یک هرگز ابعاد رفتار آدمی را جدا و مستقل از یکدیگر نمی‌داند و همان قدر که می‌کوشد تا دانشجویان را متخصص نظری و

عملی بار آورد، به تربیت عاطفی و اخلاقی و دینی ایشان نیز می‌پردازد و سعی می‌کند آموزه‌های پست مدرن را در ابعاد زیر مد نظر قرار دهد:

۱- زبان و گفتگو: دانشگاه قرن بیست و یک رایج‌ترین وسیله ارتباط یعنی زبان را به دو صورت شفاهی و مکتوب در سازمان به کار برده و آن را وسیله‌ای برای گفتگو و حل مسایل سازمانی می‌داند.

۲- خودگردانی: منظور از خود گردانی توانایی انتخاب هدف‌های اختصاصی بدون مراجعه به دیگری است. (کوهن، ۱۹۹۹) تشکیل تیم‌های خود گردان از ویژگی‌های بارز مدیریت پست مدرن است.

۳- احترام و توجه به دیگری: منظور از دیگری شامل سایر افراد و دیگر فرهنگ‌ها است.

۴- خود آفرینندگی و خلاقیت: منظور از خود آفرینندگی اهتمام فرد در به کارگیری توانایی‌های شخصی برای آفرینش خود از طریق آفریدن چیزهای تازه است. هنری ژيرو اشاره می‌کند که در تعلیم و تربیت پست مدرن دانشگاه‌ها نباید پشت سر جامعه گام بردارند. بلکه باید با شجاعتی اخلاقی دست به نقد بزنند تا امکانات لازم برای عملی تحول آفرین را افزایش دهند. بنابراین به نظر می‌رسد برای داشتن مربی خود آفریننده (بال، ۱۹۹۶) فراهم کردن زمینه‌های خلاقیت و وظیفه اصلی رهبر تلقی می‌شود. به این منظور رهبر آموزشی در عصر سازمان‌های یاد گیرنده باید نقش مکانیکی خود را به مدیریتی ارگانیک تغییر دهد. (الیوت و رینولد، ۲۰۰۱)

۵- تکثر فرهنگی: منظور از تکثر فرهنگی ایجاد فضایی است که در آن، بین فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف احترام متقابل وجود داشته باشد. گروه‌های مختلف از آزادی عمل برخوردار بوده و همه گروه‌ها حق رای داشته باشند.

۶- تساهل: از ویژگی‌های رهبران دانشگاهی قرن بیست و یک آن است که با دیگران با مسامحه برخورد می‌کنند و دیگران هم با رفتار متقابل زمینه شکل‌گیری چنین فردی را فراهم می‌کنند. (به نقل از آهنچیان، ۱۳۸۱)

۷- مرکز زدایی: یکی از ویژگی‌های بارز مدیریت پست مدرن که مورد اتفاق اکثر صاحب‌نظران است مرکز زدایی یا چند مرکزی شدن تشکلهای سازمان‌هاست. (اینگ هولم، ۲۰۰۱)

۸- نقش مؤثر فن‌آوری اطلاعات در شکل‌دهی روابط انسانی: آنچه از پست مدرن در جوامع پست مدرن با راحتی قابل رؤیت و اندازه‌گیری است نقش شبکه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیک همچون اینترنت است (لیوتار، ۱۳۸۱) به این ترتیب با استفاده از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات به راحتی امکان تجدید نظر و طراحی مدل جدیدی از روابط انسانی مجازی و واقعی در دل سازمان بوجود می‌آید که مشابه آنها در دیگر سازمان‌ها دیده نمی‌شود.

۹- اهمیت روابط انسانی: در عصر پست مدرن روابط را نمی‌توان از فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات جدا دانست. رابطه‌های انسانی این عصر بدون هیچ‌گونه حد و مرزی تصور می‌شوند. از این رو این فقط نظریه پردازان نیستند که موجب پیشرفت و توسعه می‌شوند، بلکه همه انسان‌ها در پیشرفت سهیم هستند. (چانگیو، ۲۰۰۱)

۱۰- مشارکت: در شرایط پست مدرن مشارکت گسترده‌تر و عمیق‌تر از گذشته است. در اینجا اصل سهام‌داری از اصول جامعه مدنی است. (همه افراد و گروه‌ها در جامعه مدنی سهم دارند).

۱۱- مرز شکنی: جرأت فرو ریختن مرزها از ارزشمندترین و در عین حال از مخاطره‌پذیرترین آموزه‌های دانشگاه پست مدرن است.

۱۲- فراغت از تحلیل هزینه- فایده: پست مدرن با جهت گرفتن آموزش از اقتصاد مخالفت ورزیده و بیشتر به سرمایه گذاری عمومی در آموزش معتقد است تا سرمایه گذاری خصوصی و شخصی (مارجینسون، ۲۰۰۷)

دانشگاه های ایران و لزوم تغییر سبک های رهبری

دانشگاه های ایرانی در مقایسه با دانشگاه های سراسر جهان دارای اشتراکات، تفاوت ها و آسیب های اختصاصی و مشترکی هستند که توجه به آنها لزوم تغییر آنها را بیش از پیش مشخص می سازد در این قسمت صرفه نظر از اشتراکات و تفاوت هایی که دانشگاه های ایران در مقایسه با سایر دانشگاه های جهان دارند به طور اختصار به آسیب شناسی دانشگاه در ایران می پردازیم:

۱- دانشگاه ما بیش از آن که تولیدکننده دانش باشد، مصرف کننده آن است و اگر نوآوری و بداعتی نیز دیده می شود، بیشتر نوآوری اشاعه ای است، نه تولیدی.

۲- دانشگاه با زمینه های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران، به ویژه در حیطه علوم انسانی بیگانه است.

۳- دانشگاه تنها به وجوه سخت افزاری علم توجه کرده و وجوه نرم افزاری آن را از یاد برده است.

۴- بین دانش نظری و دانش عملی در دانشگاهها ی امروز ایرانی ارتباطی وجود ندارد و این در حالی است که نمی توان دانش نظری را بی ارتباط با دانش عملی رشد داد.

۵- دانشگاه با ساختار شغلی جامعه سازگار نیست.

۶- دانشگاه با نیازهای رو به رشد جامعه در ابعاد گوناگون سازگار نیست.

۷- در اداره دانشگاه حاکمیت تمرکزگرایی وجود دارد. دانشگاهها آزادی عمل ندارند. تمرکزگرایی با سلسله مراتب قدرت، متفاوت است. سلسله مراتب قدرت

را می‌پذیریم، اما اگر سلسله‌مراتب قدرت با یک تمرکز و تراکم مکانی - جغرافیایی عجین شد، این پدیده را تمرکزگرایی می‌نامیم.

۸- جایگاه نه چندان مطلوب استادان در نظام رتبه‌بندی اجتماعی، بویژه سلسله مراتب اقتصادی جامعه آسیب دیگری است که دانشگاه‌ها از آن رنج می‌برند.

۹- به منظور تعیین جایگاه و اهداف دانشگاه تئوری مناسبی وجود ندارد.

۱۰- تفوق علم‌شناسی فلسفی اثبات‌گرا و رویکرد برون‌گرا در جامعه‌شناسی علم و یا به عبارتی، حاکمیت نوعی «علم‌گرایی» و غفلت از فرهنگی بودن معرفت علمی، آسیب دیگر دانشگاه است.

۱۱- بی‌توجهی به مبانی متافیزیکی علم که نقش مفروضات و بدیهیات اولیه را برای علم‌گرایی ایفا می‌کند و با تغییر آن کل پیکره علم، می‌تواند دستخوش تغییر قرار گیرد.

۱۲- غفلت از فلسفه تعلیم و تربیت که همان غایات و جهت‌های علم است. در دایره‌المعارف بریتانیکا در ذیل «فلسفه تعلیم و تعلم» آمده است که یک جامعه مسیحی، جهت علم خود را از مسیحیت می‌گیرد. خواه‌ناخواه این نکته بایستی بر توجه به اسلام در تعیین غایات علم، سایه بیفکند.

۱۳- غفلت از نقش ویژه محقق و انگیزه‌ها و نظام هنجاری او در تحقیقات علمی.

۱۴- غفلت از آینده‌نگری و آینده پژوهی

۱۵- عدم توفیق در جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به دانشجوی ایرانیان هنوز هویت ایرانی و ملی خود را نمی‌شناسند. یکی از کار ویژه‌های دانشگاه در بعد جامعه، این است که انتقال‌دهنده فرهنگ از نسل گذشته به نسل بعدی باشد. تا چه اندازه، شاهد ایفای این نقش مهم و کارکرد اساسی هستیم. دانشگاهی که خود در معرض گسست سنت و مدرنیته است، چگونه می‌تواند انتقال‌دهنده فرهنگ گذشته باشد؟ در جهت انتقال فرهنگ گذشته به نسل جوان،

حوزه توفیق بیشتری داشته است، اما در جهت توجه به مبانی متافیزیکی الهی و جهت دینی علم، حوزه و دانشگاه تاکنون چیزی ارائه نکرده اند.
۱۶- فقدان استقلال در فکر و اندیشه که به گونه‌ای در مصرف‌گرا بودن دانشگاه متجلی است.

۱۷- تولید و بازتولید بی‌قاعدگی یا آنومی در جامعه به دلیل فاصله‌گیری از ارزش‌های فرهنگی. به علت سست شدن نظم هنجاری سنتی و عدم جایگزینی نظم هنجاری جدید. در چنین حالتی، فرار مغزها حداقل هزینه‌ای است که جامعه متحمل می‌شود. انواع و اقسام کجروی‌های اجتماعی نیز از این مقوله‌اند. علت آن است که دانشگاه فرهنگ و هویت تاریخی را به نسل بعدی انتقال نمی‌دهد و حتی فرهنگ بیگانه با گذشته را ترویج می‌کند بنابراین باید منتظر، چنین عواقبی هم باشد.

۱۸- تفوق تدریجی عقلانیت تقلیدی و نیم‌بند و بدون توجه به مبانی معرفتی مشابه عقلانیت در غرب.

۱۹- عدم نقادی سنت و نداشتن طرحی برای نوآوری علمی متناسب با پوسته و لایه‌ای از سنت.

۲۰- خط و ربط گرفتن از گروه‌های سیاسی به جای خط و ربط دادن به آنها.

۲۱- دانشجو محور شدن در برخی از مسایل اندیشه‌ای

۲۲- فقدان رابطه مناسب با نهاد های آموزشی دیگر، از جمله حوزه علمیه. دانشگاه حساب خود را در غرب با کلیسا معلوم کرده و از دل آن بیرون آمده است؛ اما وحدت حوزه و دانشگاه در ایران هنوز از تئوری مشخصی پیروی نمی‌کند.

۲۳- وجود خط قرمزهای سیاسی و صنفی مغل علم و تحقیق.

۲۴- فقدان حقوق معنوی در دانشگاه و کثرت سرقت‌های علمی در انواع و اقسام آن.

۲۵- ناآگاهی از نظامهای ارزشی متفاوت: فقدان اطلاع از نظامهای ارزشی و عقیدتی از جمله موانع اصلی در ایجاد ارتباطات است. هر یک از ما در محیطی چشم به جهان گشوده‌ایم و از از ابتدا با ارزش‌ها، باورها، هنجارها و نگرش‌های گوناگون عجین گشته‌ایم. نظام ارزشی ما دارای ثبات نسبی بوده و ما را به خود پایبند کرده‌اند. با توجه به این که دیگران نیز دارای نظام ارزشی و عقیدتی خاص خود بوده و به آن پایبند هستند و با آن خو گرفته‌اند شناخت واقعی نظامهای ارزشی ضرورت پیدا می‌کند. عدم توجه به ارزش‌های دیگران و احترام نگذاشتن به باورها و اعتقادات آنان زمینه سوء ارتباط در دانشگاه را فراهم کرده است.

۲۶- اقتباس فرهنگی: منظور از اقتباس فرهنگی رفتارها و نگرش‌هایی است که پذیرش جنبه‌هایی از فرهنگ را به منظور پاسخگویی به نیازهای خاص جامعه مجاز می‌داند. در اینجا لازم است متذکر شویم که بین اقتباس فرهنگی و جذب و ترکیب فرهنگی تفاوت وجود دارد. اقتباس فرهنگی به افراد و جوامع این امکان را می‌دهد که ضمن حفظ ارزش‌های سنتی خویش جنبه‌هایی از فرهنگ دیگران را که برای تحقق نیازهای فردی و جمعی آنان ضروری است بپذیرند. در ایران به جای پدیده اقتباس فرهنگی پدیده جذب فرهنگی اتفاق افتاده است.

۲۷- تاکید بر ارزش‌های این جهانی: جامعه ایرانی از مصرف‌گرایی در رنج است و دانشگاه این روحیه را تقویت و ترویج نموده است. اغلب دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی دارای انگیزه کسب موفقیت بوده انتظارات روز افزونی دارند و به همین دلیل برای رفاه مادی خویش بسیار تلاش می‌کنند و می‌کوشند تا از دیگران به هر روش ممکن پیشی گیرند.

۲۸- رواج روحیه تقدیرگرایی: انتظار برای آینده بدون هیچ گونه سعی و تلاش و واگذاری امور به سر منشأ غیبی از آسیب‌های وارد بر آموزش کشور است.

۲۹- وجود اقتدار سلسله‌مراتبی در ساختارهای دانشگاهی کشور.

۳۰- تبعیت قوانین و مقررات از شخصیت‌ها.

۳۱- اولویت رابطه بر ضابطه.

۳۲- بی‌ثباتی، شک و دودلی در تصمیم‌گیری.

۳۳- وجود سیستم پدر سالاری در رهبری.

۳۴- خویشاوند گرایی در سطوح بالای سازمانی. (افروغ، ۱۳۸۴)

بررسی‌های تطبیقی نشان می‌دهد که دست اندر کاران آموزشی برای فائق آمدن در چنین شرایط پیچیده و نابسامانی تلاش می‌کنند از طریق ساخت یک مدل یا چارچوب ذهنی نظام یافته و راهبردی دنیایی را که در آن قرار دارند و عمل می‌کنند، به درستی درک کرده و مولفه‌های مورد نیاز تغییر آن را به خوبی شناسایی نمایند. در این میان باز تعریف رسالت، ماموریت، شیوه‌های آموزشی، برنامه درسی، مهارت آموزی و ... از جمله مولفه‌های مهم تلقی می‌گردند. واحدهای دانشگاه پژوهی (OIR) رسالت نیاز سنجی، هماهنگی، هدایت پژوهش‌های دانشگاهی و تصمیم‌سازی به منظور شناسایی مؤلفه‌های نیازمند تغییر را در دانشگاه‌ها بر عهده دارند. (نعمتی، ۱۳۸۵)

در راستای شناسایی زمینه‌های مورد نیاز تغییر، پژوهش حاضر با کنکاشی در بین متون مربوط به موضوع به بررسی مؤلفه‌های اصلی دانشگاه قرن بیست یک پرداخته و در صدد است تا با استناد به مؤلفه‌های شناسایی شده به تدوین چارچوبی برای دانشگاه‌های ایران بپردازد.

یافته‌ها

سوال اول پژوهش: ویژگی‌های مهم دانشگاه‌های هزاره سوم چیست؟
بررسی ادبیات و متون موجود در زمینه ویژگی‌های دانشگاه‌های هزاره سوم منتج به شناسایی شش مؤلفه اصلی و تعداد ۸۳ زیر مؤلفه گردید که به شرح زیر می‌باشد:

مؤلفه اصلی اول - سیستم آموزشی با زیر مؤلفه‌های:

دانش‌گرایی - پرورش تفکر تحلیلی - تاسیس موزه‌های علم و فن‌آوری -
پرورش روحیه شک سازمان یافته - همگانی کردن علم - پژوهش‌گرایی - باز
شناسایی سنتها و موارث - سازماندهی گرایش‌های متعارض - بومی ساختن علم -
پذیرش تنوع در نگرش‌ها - ساختار ماتریسی

مؤلفه اصلی دوم - رهبری دانشگاهی با زیر مؤلفه‌های:

جهان محوری - مخاطره‌پذیری و اهل ریسک - آگاهی از چشم‌اندازهای
آینده سازمانی و داشتن چشم‌اندازهای چندگانه - هوش رهبری - خودکنترلی -
تقدم منافع گروهی بر منافع فردی - مدیریت بحران - توانایی استفاده از
سیستم‌های MIS - صلاحیت معنوی - آینده‌پژوهی - مهارت در ایجاد قابلیت‌های
رقابتی - مهارت حل مساله - تعامل موثر با دیگران - ترغیب دیگران به رعایت
ارزشهای اساسی - آشنایی با شیوه‌های مدیریت فراملیتی و جهانی - مهارت اعمال
مدیریت تغییر - نگرش سیستمی - هم‌افزایی - امانت‌داری و رازداران کارکنان -
مدیریت زمان - مسئولیت‌پذیری

مؤلفه اصلی سوم - اعضای هیئت علمی با زیر مؤلفه‌های:

سواد اطلاعاتی - توانایی کار در محیط مجازی - توانایی کار با شبکه -
کسب هویت حرفه‌ای - داشتن وجدان کاری - داشتن اخلاق کاری - دانش روابط
میان فردی - دانش روابط درون فردی - توانایی تولید ایده‌ها و اندیشه‌های نو -

مهارت‌های نفوذ و قانع‌سازی- دانش تسهیل‌گری- تدریس تیمی- مهارت کنترل اجتماعی

مؤلفه اصلی چهارم - مشتری(دانشجو) با زیر مؤلفه‌های:

آموزش یادگیری خلاقانه- آموزش تفکر نقادانه- تسلط بر فن آوری های نوین- تاکید بر پژوهش‌مداری- تاکید بر یادگیری مادام‌العمر- تاکید بر ارزشهای جمعی - نهادینه کردن و درونی نمودن ارزشها- پرورش قدرت پذیرش نقشهای جدید - پرورش روحیه اعتماد به نفس- تغذیه روحی و معنوی- نهادینه کردن عقلانیت در تمام امور- توانایی تصمیم‌گیری مناسب- آگاهی از مسائل جهانی

مؤلفه اصلی پنجم - برنامه درسی با زیر مؤلفه‌های:

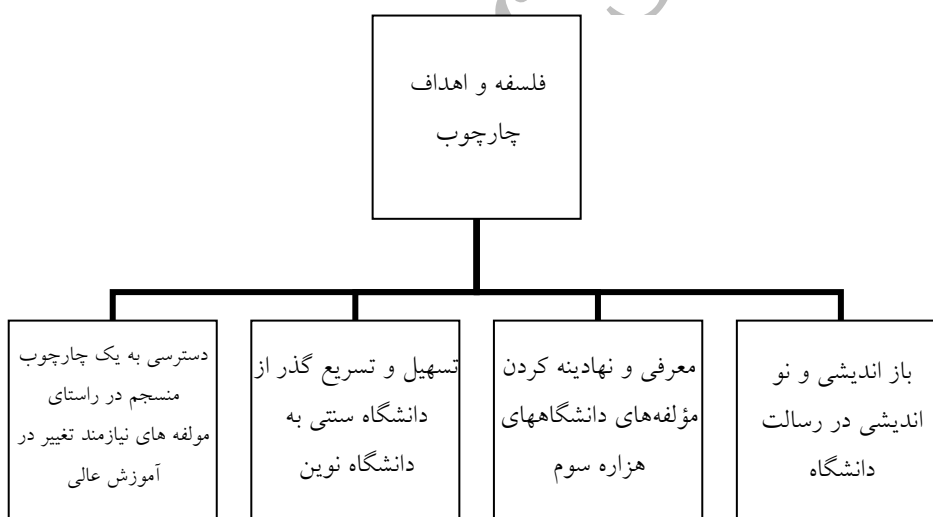
طرح ایده های نو در تدریس و یادگیری- پرورش انواع هوش- پرورش شهروند حرفه‌ای- پرورش قوه نقد منصفانه- تغییر شیوه های ارزیابی از کمی به کیفی- استفاده از ایده های جدید- حرکت از حافظه سطحی به حافظه فضایی- طراحی محصولات فرهنگی- پرهیزی از ارائه محتوای متناسب با سلیق شخصی- پرورش مهارت‌های تحقیقاتی- شبکه سازی دانش- تهیه بسته های آموزشی متنوع- تعاملات پویا و مولتی‌مدیا- آموزش همزمان و غیر همزمان- تدوین محتوا با تاکید بر سه بعد شناخت، انگیزش و رفتار- تاکید بر محتوای معرفت‌شناختی

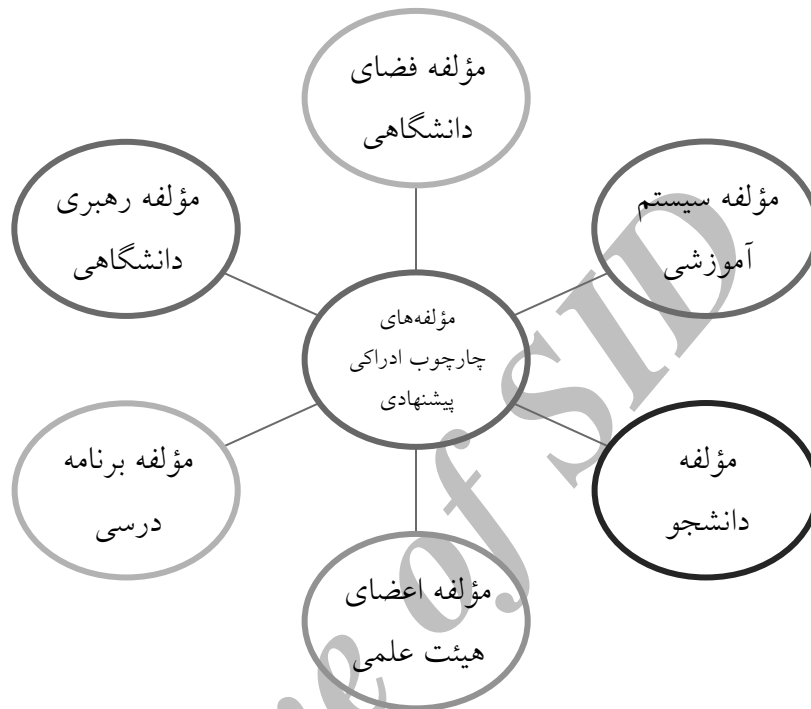
مؤلفه اصلی ششم - فضای دانشگاهی با زیر مؤلفه‌های:

پیام‌رسانی در قالب های هنری مانند نشریات- نمایش- داستان و...- جذاب کردن محیط زیست دانشجویی- بهسازی فضای دانشگاهی- تجهیز فضا به فن آوری روز- توجه به عوامل نمادی- طراحی محیط یادگیری مجازی- ایجاد فضایی زنده و شاداب- اختصاص فضا به فعالیت‌های فوق برنامه- توجه به معماری محیط

شناسایی ویژگی‌های مهم دانشگاه‌های هزاره ...

سوال دوم پژوهش: چه چارچوب مناسبی را می‌توان در راستای حرکت از دانشگاه‌های سنتی به دانشگاه‌های نوین در ایران ارائه کرد؟ به منظور ارائه چارچوبی مناسب پژوهشگر به تدوین چارچوبی متشکل از دو بخش اصلی پرداخته است. بخش اول چارچوب شامل فلسفه و اهداف چارچوب با چهار زیر مؤلفه و بخش دوم شامل چارچوب ادراکی با مؤلفه‌های اصلی و فرعی شناسایی شده در سوال اول پژوهش می‌باشد. فلسفه و اهداف و چارچوب ادراکی پیشنهادی به شرح زیر می‌باشد:





نتایج حاصل از تحلیل عامل بر دو قسمت چارچوب یعنی بخش فلسفه و اهداف و چارچوب ادراکی به شرح زیر می باشد:

مدول شماره یک- تحلیل عوامل فلسفه و اهداف چارچوب

ردیف	مؤلفه ها	اندازه KMO	بار عاملی
۱	باز اندیشی و نو اندیشی در رسالت دانشگاه		۰/۷۵۴
۲	معرفی و نهادینه کردن مؤلفه‌های دانشگاه‌های هزاره سوم		۰/۶۲۷
۳	تسهیل و تسریع گذر از دانشگاه سنتی به دانشگاه نوین	۰/۷۸۳	۰/۷۳۲
۴	دسترسی به یک چارچوب منسجم در راستای مؤلفه‌های نیازمند تغییر در آموزش عالی		۰/۶۷۹

بر اساس یافته‌های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه فلسفه و اهداف مربوط به باز اندیشی و نو اندیشی در رسالت دانشگاه با بار عاملی ۰/۷۵۴ و کمترین مربوط به معرفی و نهادینه کردن مؤلفه‌های دانشگاه‌های هزاره سوم با بار عاملی ۰/۶۲۷ بوده است. مقدار (KMO) در باب کفایت نمونه‌گیری برابر با ۰/۷۸۳ بوده که مقدار بالا و قابل قبولی است. همچنین بارهای عاملی هر یک از زیر مؤلفه‌ها بر روی عامل کلی فلسفه و اهداف چارچوب پیشنهادی همه بالاتر از ۰/۶ می‌باشد.

جدول شماره یک : ماتریس بارهای عاملی پرفروش داده شده بر عوامل استخراجی چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه سیستم آموزشی)

ردیف	مؤلفه‌ها	اندازه KMO	بار عاملی
۱	دانش گرایی		۰/۶۳۵
۲	پرورش تفکر تحلیلی		۰/۷۵۲
۳	تاسیس موزه های علم و فن آوری		۰/۷۰۷
۴	پرورش روحیه شک سازمان یافته		۰/۷۵۷
۵	همگانی کردن علم		۰/۷۲۷
۶	پژوهش گرایی	۰/۸۹۴	۰/۷۵۰
۷	باز شناسایی سنتها و موارد		۰/۷۳۰
۸	سازماندهی گرایشات متعارض		۰/۶۵۰
۹	بومی ساختن علم		۰/۷۹۸
۱۰	پذیرش تنوع در نگرشها		۰/۵۴۶
۱۱	ساختار ماتریسی		۰/۷۲۱

بر اساس یافته‌های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول یعنی سیستم آموزشی مربوط به بومی ساختن علم با بار عاملی ۰/۷۹۸ و کمترین مربوط به پذیرش تنوع در نگرشها با بار عاملی ۰/۵۴۶ بوده است. مقدار (KMO) در باب کفایت نمونه‌گیری برابر با ۰/۸۹۴ بوده که مقدار بالا و قابل

پژوهشنامه تربیتی

قبولی است. همچنین بارهای عاملی هر یک از زیر مولفه ها بر روی عامل کلی فلسفه و اهداف چارچوب پیشنهادی همه بالاتر از ۰/۵ می باشد.

جدول شماره دو : ماتریس بارهای عاملی پرفش داده شده بر عوامل استفرجی

چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه رهبری دانشگاهی)

ردیف	مؤلفه‌ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
۲	جهان محوری	۰/۵۷۹	-	-
۱۳	مخاطره پذیری و اهل ریسک	۰/۵۰۲	-	-
۱۴	آگاهی از چشم اندازهای آینده سازمانی	۰/۵۰۸	-	-
۱۵	هوش رهبری	-	۰/۴۲۸	-
۱۶	خود کنترلی	-	-	۰/۴۱۰
۱۷	تقدم منافع گروهی بر منافع فردی	-	-	۰/۶۱۳
۱۸	مدیریت بحران	۰/۶۱۱	-	-
۱۹	توانایی استفاده از سیستمهای MIS	۰/۷۱۵	-	-
۲۰	صلاحیت معنوی	-	-	۰/۸۹۶
۲۱	آینده پژوهی	۰/۶۰۳	-	-
۲۲	مهارت در ایجاد قابلیت‌های رقابتی	۰/۷۲۱	-	-
۲۳	مهارت حل مساله	-	۰/۵۹۵	-
۲۴	تعامل موثر با دیگران	-	۰/۷۲۳	-
۲۵	ترغیب دیگران به رعایت ارزشهای اساسی	-	۰/۶۱۱	-
۲۶	آشنایی با شیوه های مدیریت فراملیتی و جهانی	۰/۷۹۲	-	-
۲۷	امانت دار و راز دار کارکنان	-	-	۰/۷۹۳
۲۸	مدیریت زمان	-	۰/۶۹۵	-
۲۹	مسئولیت پذیری	-	۰/۷۹۲	-
۳۰	مهارت اعمال مدیریت تغییر	۰/۶۵۳	-	-
۳۱	نگرش سیستمی	۰/۷۶۴	-	-
۳۲	هم افزایی	۰/۷۹۶	-	-

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر سه عامل از ماده‌های مؤلفه دوم یعنی رهبر دانشگاهی قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی سه عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با $0/84$ نشان دهنده کفایت نمونه‌گیری بوده است. بر اساس یافته‌های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به هم‌افزایی با بار عاملی $0/796$ و کمترین مربوط به مخاطره‌پذیری و اهل ریسک با بار عاملی $0/502$ و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به مسئولیت‌پذیری با بار عاملی $0/792$ و کمترین مربوط به هوش رهبری با بار عاملی $0/428$ و در مؤلفه سوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به صلاحیت معنوی با بار عاملی $0/896$ و کمترین مربوط به خودکنترلی با بار عاملی $0/410$ بوده است. همچنین بارهای عاملی هر یک از زیر مولفه‌ها بر روی عامل اول پیشنهادی همه بالاتر از $0/5$ می‌باشد.

جدول شماره سه: ماتریس بارهای عاملی پرفش داده شده بر عوامل

استخراجی پارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه هیئت علمی)

ردیف	مؤلفه ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
۳۳	سواد اطلاعاتی	۰/۷۹۵	-	-
۳۴	توانایی کار در محیط مجازی	۰/۷۲۳	-	-
۳۵	توانایی کار با شبکه	۰/۶۹۵	-	-
۳۶	کسب هویت حرفه ای	-	۰/۴۳۲	-
۳۷	داشتن وجدان کاری	-	۰/۷۸۹	-
۳۸	داشتن اخلاق کاری	-	۰/۷۵۴	-
۳۹	دانش روابط میان فردی	-	-	۰/۵۲۳
۴۰	دانش روابط درون فردی	-	-	۰/۷۹۸
۴۱	توانایی تولید ایده ها و اندیشه های نو	-	۰/۶۳۲	-
۴۲	مهارتهای نفوذ و قانع سازی	-	-	۰/۶۹۵
۴۳	دانش تسهیل گری	-	۰/۷۲۱	-
۴۴	تدریس تیمی	-	۰/۶۹۳	-
۴۵	مهارت کنترل اجتماعی	-	-	۰/۷۱۲

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسگری نشان داد که حداکثر سه عامل از ماده های مؤلفه سوم یعنی اعضای هیئت علمی قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی سه عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با ۰/۹۱ نشان دهنده کفایت نمونه گیری بوده است. بر اساس یافته های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به سواد اطلاعاتی با بار عاملی ۰/۷۹۵ و کمترین مربوط به توانایی کار با شبکه با بار عاملی ۰/۶۹۵ و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به داشتن وجدان کاری با بار عاملی ۰/۷۸۹ و کمترین مربوط به کسب هویت حرفه ای با بار عاملی ۰/۴۳۲ بوده است. بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه سوم مربوط به دانش روابط درون فردی با بار عاملی ۰/۷۹۸ و کمترین مربوط به دانش روابط

میان فردی با بار عاملی ۰/۵۲۳ بوده است. همچنین بارهای عاملی هر یک از زیر مولفه‌ها بر روی عامل سوم چارچوب پیشنهادی همه بالاتر از ۰/۵ می‌باشد.

جدول شماره چهار: ماتریس بارهای عاملی پرفش داده شده بر عوامل

استخراجی چارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه دانشجوی)

ردیف	مؤلفه‌ها	عامل اول	عامل دوم
۴۷	آموزش یادگیری خلاقانه	۰/۷۹۵	-
۴۸	آموزش تفکر نقادانه	۰/۷۱۲	-
۴۹	تسلط بر فن‌آوری‌های نوین	۰/۷۵۴	-
۵۰	تاکید بر پژوهش‌مداری	۰/۶۱۲	-
۵۱	تاکید بر یادگیری مادام‌العمر	۰/۷۱۱	-
۵۲	تاکید بر ارزشهای جمعی	-	۰/۵۹۵
۵۳	نهادینه کردن و درونی نمودن ارزشها	-	۰/۷۱۱
۵۴	پرورش قدرت پذیرش نقشهای جدید	-	۰/۷۷۵
۵۵	پرورش روحیه اعتماد به نفس	-	۰/۷۷۳
۵۶	تغذیه روحی و معنوی	-	۰/۸۱۸
۵۷	نهادینه کردن عقلانیت	-	۰/۷۱۰
۵۸	توانایی تصمیم‌گیری مناسب	-	۰/۶۹۱
۵۹	درک فرهنگ ملی	-	۰/۸۴۳
۶۰	آگاهی از مسائل جهانی	-	۰/۷۷۳

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر دو عامل از ماده‌های مؤلفه چهارم یعنی دانشجوی قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی دو عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با ۰/۹۱ نشان دهنده کفایت نمونه‌گیری بوده است. براساس یافته‌های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به آموزش یادگیری خلاقانه با بار عاملی ۰/۷۹۵ و کمترین مربوط به تاکید بر پژوهش‌مداری با بار عاملی ۰/۶۱۲ و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی

پژوهشنامه تربیتی

مربوط به درک فرهنگ ملی با بار عاملی ۰/۸۴۳ و کمترین مربوط به تاکید بر ارزشهای جمعی با بار عاملی ۰/۵۹۵ بوده است..

جدول شماره پنج: ماتریس بارهای عاملی پرفش داده شده بر عوامل استخراجی

(چارچوب ادراکی پیشنهادی) مؤلفه برنامه درسی)

ردیف	مؤلفه ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
۶۱	طرح ایده های نو در تدریس و یادگیری	۰/۵۹۵	-	-
۶۲	پرورش انواع هوش	۰/۵۰۵	-	-
۶۳	پرورش شهروند حرفه ای	۰/۵۰۹	-	-
۶۴	پرورش قوه نقد منصفانه	۰/۶۱۳	-	-
۶۵	تغییر شیوه های ارزیابی از کمی به کیفی	-	۰/۵۵۹	-
۶۶	استفاده از ایده های جدید	-	۰/۷۲۳	-
۶۷	حرکت از حافظه سطحی به حافظه فضایی	-	۰/۶۸۵	-
۶۸	طراحی محصولات فرهنگی	-	-	۰/۴۲۱
۶۹	پرهیزی از ارائه محتوای متناسب با سلیق شخصی	-	-	۰/۷۲۰
۷۰	پرورش مهارتهای تحقیقاتی	۰/۷۶۴	-	-
۷۱	نهادینه کردن عقلانیت	۰/۷۵۲	-	-
۷۲	شبکه سازی دانش	۰/۷۱۲	-	-
۷۳	تهیه بسته های آموزش متنوع	-	۰/۸۲۴	-
۷۴	تعاملات پویا و مولتی مدیا	-	۰/۸۱۸	-
۷۵	آموزش همزمان و غیر همزمان	-	۰/۵۶۴	-
۷۶	تدوین محتوا با تاکید بر سه بعد شناخت انگیزش و رفتار	-	-	۰/۵۵۹
۷۷	تاکید بر محتوای معرفت شناختی	-	-	۰/۶۱۳

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر سه عامل از ماده های مولفه پنجم قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی سه عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با ۰/۹۱ نشان دهنده کفایت نمونه گیری بوده است. براساس یافته های جدول

بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به پرورش مهارت‌های تحقیقاتی با بار عاملی ۰/۷۶۴ و کمترین مربوط به پرورش انواع هوش با بار عاملی ۰/۵۰۵ و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به تهیه بسته‌های آموزش متنوع با بار عاملی ۰/۸۲۴ و کمترین مربوط به تغییر شیوه‌های ارزیابی از کمی به کیفی با بار عاملی ۰/۵۵۹ بوده است. بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه سوم مربوط به پرهیزی از ارائه محتوای متناسب با سلیقه شخصی با بار عاملی ۰/۷۲۰ و کمترین مربوط به طراحی محصولات فرهنگی با بار عاملی ۰/۴۲۱ بوده است.

جدول شماره شش: ماتریس بارهای عاملی پرفش داده شده بر

عوامل استخراجی پارچوب ادراکی پیشنهادی (مؤلفه فضا)

ردیف	مؤلفه ها	عامل اول	عامل دوم
۷۸	پیام رسانی در قالب های هنری مانند نشریات- نمایش و...	-	۰/۸۱۸
۷۹	جذاب کردن محیط زیست دانشجویی	۰/۶۳۵	-
۸۰	بهسازی فضای دانشگاه	۰/۷۹۷	-
۸۱	تجهیز فضا به فن آوری روز	-	۰/۷۹۵
۸۲	توجه به عوامل نمادی	۰/۸۱۳	-
۸۳	طراحی محیط یادگیری مجازی	-	۰/۶۳۵
۸۴	ایجاد فضای زنده	۰/۷۱۲	-
۸۵	تجهیز فضا به فعالیتهای فوق برنامه	۰/۷۵۳	-
۸۶	معماری محیط	۰/۷۳۱	-

نتایج تحلیل عوامل بر اساس آزمون اسکری نشان داد که حداکثر دو عامل از ماده‌های مولفه ششم یعنی فضا قابل استخراج است. بدین معنی که فقط حاصل جمع مجذور مقادیر ضرایب عاملی دو عامل دارای مقدار یک بوده است. مقدار kmo برابر با ۰/۹۱ نشان دهنده کفایت نمونه‌گیری بوده است. بر اساس یافته‌های جدول بیشترین ضریب بار عاملی در مؤلفه اول مربوط به توجه به عوامل نمادی با بار عاملی ۰/۸۱۳ و کمترین مربوط به جذاب کردن محیط زیست

دانشجویی با بار عاملی ۰/۶۳۵ و در مؤلفه دوم بیشترین ضریب بار عاملی مربوط به پیام رسانی در قالب های هنری مانند نشریات- نمایش- داستان با بار عاملی ۰/۸۱۸ و کمترین مربوط به طراحی محیط یادگیری مجازی با بار عاملی ۰/۶۳۵ بوده است.

نتیجه گیری

بررسی ادبیات پژوهش راجع به سوال اول یعنی ویژگیهای مهم دانشگاههای هزاره سوم چیست؟ منتج به شناسایی مهمترین مؤلفه‌های اصلی و فرعی گردید. توجه به این ویژگیها می تواند موجبات همراستایی دانشگاههای ایرانی با دانشگاههای هزاره سوم را فراهم آورد. (مؤلفه‌های اصلی و فرعی شناسایی شده ذیل سوال اول پژوهش آورده شده است.)

در ارتباط با سوال دوم پژوهش یعنی چه چارچوب مناسبی را می توان در راستای حرکت از دانشگاههای سنتی به دانشگاههای نوین در ایران ارایه کرد؟ پژوهشگر به مدد بررسی‌های انجام شده به ارائه چارچوب پیشنهادی در این رابطه پرداخته است. چارچوب پیشنهادی از دو بخش فلسفه و اهداف و چهارچوب ادراکی تشکیل گردیده است. (بخش فلسفه و اهداف چهارچوب با چهار زیر مؤلفه و بخش چهارچوب نظری با شش مؤلفه اصلی و هشتاد سه زیر مؤلفه). در تحلیل عامل انجام شده در بخش فلسفه و اهداف بارهای عاملی هر یک از زیر مؤلفه‌های بخش فلسفه و اهداف همه بالاتر از ۰/۶ به دست آمد. در بخش چارچوب ادراکی پس از تحلیل عامل تحلیل، چارچوب پیشنهادی تغییر یافت و بنابراین چهارچوب نهایی به شکل زیر ترسیم شد:



با توجه به این که دنیای فردا دنیای سازمانهای پسا مدرن است، امکان دارد اشکال غالب سازمانهای امروزی همچون بوروکراسی هایی که امروزه به شکل حیرت آوری در تار و پود زندگی سازمانی ما ریشه دوانیده است و زندگی سازمانی بدون آنها غیر قابل تصور به نظر می رسد، پاسخگوی نیازهای جامعه نباشد. امروزه مفاهیمی چون سازمان، مدیریت، رهبری و فرایندهای مرتبط با آنها به شدت در حال تغییراند. ما وارد دنیای فرا نوین شده‌ایم. دنیایی که در آن مفاهیم روبنایی سازمان مانند اشکال ساختاری، تئوری‌های سنتی، روش‌های سنتی اداره

سازمان و ... کاربرد خود را از دست داده و تحولات عظیمی در بنیان‌های تئوریک سازمان اتفاق افتاده است. مسائلی چون ظهور نسل دیجیتالی، افزایش انتظارات از آموزش عالی، شکاف بین انتظارات و آرمانها و ... این ضرورت را اجتناب ناپذیر ساخته که مدیریت و رهبری دانشگاهی باید با لنز دیگری به انسان، جامعه و جهان بنگرد و جهت تبدیل دارایی‌های انسانی به دارایی‌های استراتژیک شیوه‌های نوین دیگری را بر گزینند. بدیهی است دگرگونی واقعی در جامعه و تحقق توسعه پایدار از طریق دگرگونی در اندیشه‌ها و باورها رخ خواهد داد و مقرر این دگرگونی آموزش عالی و آموزش و پرورش است. لذا مدارس و دانشگاه‌ها به عنوان معماران تحول در جامعه زمانی می‌توانند این مهم را به انجام برسانند که با درک فرا پیچیدگی‌ها، به چالش کشیدن کهنه اندیشه‌ها و خانه تکانی اندیشه‌های سنتی، با چالش‌ها مواجه شوند و هدایت عالمانه و هوشمندانه نظام آموزشی را در دستور کار خویش قرار دهند. تحقق امر فوق مستلزم، کار بست مبانی مدرن رهبری، اندیشیدن درباره اندیشه‌ها، خود آغاز گری، اشتراک دانش، ناب سازی اندیشه‌ها و به طور کلی رویکردهای نوین رهبری است.

بهره‌وری، کارایی، توانایی رقابت و نوآوری، تربیت نیروی انسانی دانش مدار و ... در سازمان هایی که رویکرد ها و شیوه های نو و متناسب با هزاره سوم را در رهبری سازمانی مد نظر قرار داده اند، شاهدهی بر این مدعا ست که سازمان ها و از جمله دانشگاه ها در صورت غفلت از این مهم دیر یا زود به سمت زوال و نابودی حرکت خواهند کرد. چرا که دانش در دنیای پیشرفته امروز به سرعت در حال تبدیل شدن به مزیت رقابت اصلی است و می تواند برای سازمان هایی که بخوبی آن را می شناسند و مدیریت می کنند فرصت و در عین حال برای سازمان هایی که تحولات محیطی و سبکهای جدید رهبری را نمی‌شناسند، به عنوان تهدیدی جدی قلمداد شود. دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی از طریق استقرار سبک های جدید رهبری علاوه بر آن که می توانند شاهد ارتقای کیفیت

نیروی انسانی خود باشند (کارکنان و دانشجویان) بلکه می‌توانند مبدل به دانشگاه‌های پیشرو گردند.

رهبران آموزشی عصر حاضر به رغم وضعیت پیچیده و نابسامانی که امروزه بر کانونهای تصمیم‌گیری آموزشی کشور حاکم شده است، برای این که قادر باشند نظام آموزشی را راهبری کنند با چالش‌ها و تحولات بیشماری مواجه‌اند. بررسی تطبیقی نشان داده است که رهبران آموزشی اثر بخش برای فائق آمدن بر چنین شرایط پیچیده نابسامانی تلاش می‌کنند از طریق ساخت یک مدل یا چارچوب ذهنی نظام یافته و راهبردی، دنیایی را که در آن قرار دارند و عمل می‌کنند به درستی درک کنند. به عبارت دیگر مدیران و رهبران آموزشی عصر کنونی ناگزیر هستند الزامات فعالیت در عصر حاضر را که دارای ویژگی‌هایی چون خلاقیت، بحران، آشوب، ریسک‌پذیری و ... است را رعایت کرده، به باز تعریف رسالت و مأموریت خود بپردازند. نتیجه این باز تعریف، آنها را به سمت و سوی سبکهای جدیدی از رهبری رهنمون خواهد ساخت. آنچه تا به حال متخصصان آموزش عالی جهان پیرامون تحلیل چشم اندازهای دانشگاه در قرن بیست و یکم بدست داده‌اند بیانگر قطعیت گذر از دانشگاه سنتی و ورود به نظام متمایز از ساختار و محتوا و رهبری دانشگاه هاست. تنها راه موثر برای مواجهه با عدم اطمینان و پیچیدگی قرن حاضر، نیز تحول و بهبود مستمر است. لذا رهبران دانشگاهی مجبور هستند تا برای جلوگیری از مشکلات دست به تغییر سبک و رویه و رفتار موجود سازمانی بزنند و این مهم به خصوص با شرایط خاص بین‌المللی، منطقه‌ای و کشوری امروز و مسأله تقابل فرهنگی بیشتر خود نمایی می‌کند. از طرف دیگر دانشگاه قرن بیستم و یکم با چالش‌های دیگری نظیر کنترل کیفیت و مناسبت همکاری‌های بین‌المللی، عدالت آموزشی و مسائلی از این دست روبروست و دانشگاه‌های ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. بر اساس گزارش ارائه شده توسط موسسه تایمز در بین دانشگاه‌های برتر جهان

پژوهشنامه تربیتی

در سال (۲۰۰۶) نامی از هیچ یک از دانشگاه‌های ایرانی دیده نمی‌شود. چنین به نظر می‌رسد که ایران هنوز نتوانسته امتیازات شاخص‌های رتبه بندی دانشگاه‌های برتر جهان را احراز نماید و به رقابت با دانشگاه‌های موفق در عرصه‌های بین المللی بپردازد. این نکته ما را به این اصل رهنمون می‌شود که تغییر در وضعیت دانشگاه‌ها و حرکت به سمت و سوی معیارهای جهانی نیاز به فرایندهای تغییر اثر بخش دارد. تغییراتی که ضمن آنکه ارزش‌های اسلامی - ایرانی را پاس می‌دارد در بازار بی کنترل جهانی قابلیت رقابت و تولید داشته باشد.

کتابنامه

- افروغ، عماد. (۱۳۸۶)، نگرشی به چهار چوب نظری و آسیب شناسی دانشگاه، هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۹۶.
- آهنچیان، محمدرضا. (۱۳۸۲) آموزش و پرورش در شرایط پست مدرن، تهران، نشر طهوری.
- ایرانزاده، سلیمان. (۱۳۸۱)، مدیریت تطبیقی در چارچوب پارادایمهای جدید. تبریز، مرکز آموزش مدیریت دولتی تبریز، چاپ اول
- ذوالفقاری، رشید (۱۳۸۵)، آینده پژوهی در نظام آموزش عالی، چکیده مقالات همایش چالشهای فرا روی مدیریت در نظامهای آموزشی، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق.
- شاه طالبی، بدری. (۱۳۸۷) بررسی مؤلفه‌های رهبری مبتنی بر ارزشها به منظور ارائه چارچوبی مناسب در دانشگاه آزاد اسلامی، پایان نامه دکتری.
- لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۸۱). وضعیت پست مدرن. ترجمه حسین علی نوذری، تهران، انتشارات نقش جهان.
- نعمتی، محمد علی، (۱۳۷۸)، دانشگاه پژوهی، چکیده مقالات همایش چالشهای فرا روی مدیریت در نظامهای آموزشی، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق.
- Abraham. (2002). On modern universities. Hangzhou: zhejiang education press.
- Ball, C. (1996). A learning society :A vision and plan to change the learning culture of the society for the encouragement of Arts, manufacturing & commerce. London
- Barbara, A. (2007). Scholarship and Mission in the center university available at [www. Ouga.edu.au](http://www.Ouga.edu.au)
- Center for higher Education development , (2006). Study and research in Germany university Rankings . from www. Daad .de/dues chland/stadium

- Changgui,cheng.(2001).International Cooperation :Important choice for building top universities world wide Tsinghua university education study.
- Cohen,A.(1999).communitarians social construction, and autonomy
- Elliot, C & Reynolds, M.(2000). The critical movement management and manager- education relations. CMS Conferrance
- Engholm,P.(2002). The controversy between modernist and post modernist views of management science.Monash University
- Fallis,George.(2004). The mission of the university department of Economics and Division of social science York university Toronto Canada
- 10-Hopkins,Gary(2002). Curriculum/Training: teaching citizenships five them www.education world
- jiaer,Chen.(1998).Mission and function of information society.universities in 21 century- 100 Anniversary of Peking university . Peking university Press
- Lambert, Mike.(2007). 21 century learners- and their approaches to learning available at ulti Base Article.
- Marginson , Simon.(2007)university Mission and identity for a post post public era higher education Research & development . university of Melbourne Australia
- Mowery, David ,C.(2001). The changing Role of universities in the 21 century U.S R&d System
- Watts,Ronald.(1996). The 21 century university Canberra. -
- Zhiyun, Liu.(2008).Mission of Modern Universities and Development of Modern society. Us- china education Review,USA